

جوانان کمونیست ۱۰۷

نشریه سازمان جوانان کمونیست

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر

۲۵ شهریور ۱۳۸۲

۱۶ سپتامبر ۲۰۰۳

سه شنبه ها منتشر میشود

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان
است.
منصور حکمت



شاید باورت نشود! اسد حکمت

بخشی از یک نامه
بهرام جان با سلام

شاید باورت نشود یا به نظرت بسیار خام اندیشی باشد، ولی اکنون در ایران ما فضا را با فضای انقلاب پنجاه و هفت بسیار شبیه میدانیم و بعضی از دوستان در بحثهای که داریم به شدت از یک انقلاب قریب الوقوع سخن میگویند. نکته جالبتر اینکه اکنون بین هواداران چپ در ایران فقط امید به قدرت گیری حزب کمونیست کارگری است. به نظر من اینگونه جلسات در پالتاک (اشاره به جلسه آموزشی سازمان جوانان در پالتاک) دو دسته مخاطب دارد. یک دسته کسانی که مایل با آشنایی با ما هستند و دسته دیگر کسانی که عضو حزب هستند یا با آن نزدیکی احساس می کنند و علاقه مند به بحث میباشند. حال باید جلسات را به گونه ای ترتیب دهیم که موجب کسالت هیچکدام از دو دسته نباشد. به نظر من موضوعاتی که هنوز بعضی از هواداران چپ با آن مشکل دارند و در آن زمینه ها با ما مخالفت می کنند بسیار جالب است. هنوز بسیاری آن تصویر منصور حکمتی را از کمونیسم ندارند. بعضی کمونیسم را یک تیپ اجتماعی خاص میدانند که فقط باید مخفیانه کتاب بخواند و نشریه رد و بدل کند. بعضی از کمونیست ها هنوز با ناسیونالیسم و مذهب تسویه حساب نکرده اند و ناموس پرستی را انکار نمی کنند. (این را به عینه دیده ام!) و مهمترین موضوعی که باید وقت زیادی به آن بدهیم شناخت (امکان) قدرتیگری کمونیستها در گوشه ای از جهان بالاخص ایران و خاورمیانه می باشد. حال موضوعاتی نظیر صفحه ۳

زنگ مدرسه کمونیستی صدا در می آید!

پیام بهرام مدرسی دبیر سازمان جوانان کمونیست بمناسبت اول مهر ۸۲

موقعیت رژیم اما بسیار ضعیفتر و شکنندتر از آنست که بتواند به چنین اقداماتی امید ببندد. شکنندتر است چون مبارزات یکسال گذشته ما یکبار دیگر شعار سراسری صفحه ۲

میکنند و «اخطار» میدهند. از چند هفته پیش دانشجویانی را طی احضاریههایی از تحصیل محروم کردهاند و سعی دارند با «آمادباش» کامل به پیشواز بازگشایی دانشگاهها و مدارس بروند.

چند روز دیگر اول مهر است و بازگشایی مدارس و دانشگاهها. سران ریز و درشت رژیم اسلامی از وزارت ارشاد و وزارت آموزش و پرورش تا وابستگان به جبهه بیفایده دوم خرداد، خود را برای این بازگشایی آماده



غولی که از جا بر میرخیزد!

اعتراض به مرگ کارگر
جوان در ایران خودرو



عکسی از تظاهرات کارگران بهشهر که تمام شهر را پشت سرخود متحد کرد

کمونیست، آزادی زن و همبطنطور این نشریه را وسیعا در بین کارگران پخش کرد. باید رادیو و تلویزیون حزب را به کارگران معرفی کرد. بویژه جوانان کمونیست بدلیل دسترسی شان به اینترنت میتوانند و باید سریل ارتباطی مهمی برای وصل کردن کارگران کمونیست به حزبشان باشند.

خواهد شد و آنوقت تمام معادلات سیاسی ایران عوض خواهد شد. این اتفاقی است که خواه و ناخواه، دیر یا زود رخ داد. اما باید به پیشباز باید رفت. باید آنرا تسهیل کرد و جلو انداخت. این وضعیت طبعاً وظایف گوناگونی در زمینه برپایی مجامع عمومی و شوراهای ایجاد هسته ها و واحد های حزبی و غیره در برابر هر کمونیستی در محل قرار میدهد. اینجا ما به یک جنبه حیاتی و عاجل اشاره میکنیم که مستقیماً به جوانان کمونیست هم مربوط میشود. باید حزب کمونیست کارگری را وسیعا در بین کارگران مطرح کرد. باید ادبیات حزب، برنامه آن، انترناسیونال هفتگی، کارگر

کارگری در جریان بوده است. فشار کار، تهدید بیکاری، عدم پرداخت ها چنان وسیع و همه گیر است که برای بخش های وسیع و موثر طبقه کارگر چاره ای جز اعتراض گسترده نمانده است. فضای سیاسی کشور و بی آیندگی جامعه و حکومت اسلامی به کارگران حکم میکند که به نیروی خود به میدان بیایند و فکر نکنند. این غول نیم خفته ای است که دارد از جا بلند میشود. غولی که وقتی به میدان عمل وسیع و توده ای پا بگذارد بلافاصله خواهد دید که نماینده سیاسی او یعنی حزب کمونیست کارگری حاضر و قیاق و پر شور در میدان است. طبقه کارگر ایران به سرعت و زیر پرچم این حزب متشکل

بنا به خبر سایت بازتاب روز شنبه گذشته (۲۲ شهریور) بدنبال مرگ یک کارگر جوان، خط تولید در یکی از سالن های مونتاژ ایران خودرو متوقف میشود. این کارگر که حدود ۲۵ سال داشته است گویا بر اثر فشار کار شدید دچار سردرد و بیهوش میشود و سپس در میگذرد. در اعتراض به این «حادثه» کارگران این خط تولید (که در آن پژو و سمندر مونتاژ میشود) دست از کار میکشند. کارگران مرگ همکار جوان خود را ناشی از شرایط سخت کار میدانند. بنا به همین گزارش: شرایط آنقدر طاقت فرساست که در طول یک شیفت کاری حداکثر ۱۰ دقیقه وقت استراحت برای کارگران هست و حتی برای دستشویی رفتن هم دچار مشکل میشوند. این در حالی است حقوقی را که به خاطر بالا بردن سرعت بردگی باید به کارگران پرداخت کنند به آنها نپرداخته اند!

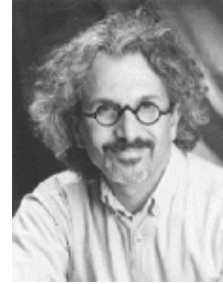
جوانان کمونیست فوت کارگر ایران خودرو را (که متأسفانه اسم او را هم نمی دانیم) به بازماندگان و همه همکاران او تسلیت میگوید. گذشته از این جنبه فاجعه بار که امر روزمره بردگی مزدی است، این اعتصاب در اوضاع احوال کنونی ایران بسیار مهم است. اگر نگاهی به سایت کارگران (www.kargaran.org) بیندازید خواهید دید که در طول مرداد و شهریور تقریباً در تمامی شهرهای مهم کشور مکرراً اعتراضات

در آخرین لحظات انتشار این نشریه حزب کمونیست کارگری خبر بالا را تایید کرد و اعلام نمود که اعتصاب تا ساعت ۸ شب یکشنبه همچنان جریان داشته است. نام کارگر منکور نیز پیمان خسروی ذکر شده است. برای آخرین خبر ها روزنه را ببینید.

اتم، اسلام، انقلاب، قطعنامه علیه جمهوری اسلامی، ص ۲، جهان را باید از دست بمبگذارها و ژنرال ها در آورد، صفحه ۳، قطبی مثل آمریکا، گفتگو با یک کمترین، دست به اسلحه بردن؟ خبرنگار میکنیم، ص ۴، سولاتم را جواب دهید، سوسیالیسم جبر نیست ضرورت است، صفحه ۵، نامه ها صفحه ۶، لینک، ماهستیم، بادها و پیرهن ها ص ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اتم، اسلام، انقلاب!



گفتگو با علی جوادی پیرامون قطعنامه اخیر آژانس بین المللی اتمی

جوانان کمونیست: آژانس بین المللی انرژی اتمی قطعنامه یا در واقع التیماتومی علیه جمهوری اسلامی صادر کرده است، مفاد این قطعنامه چیست؟

علی جوادی: قطعنامه در جمعه ۱۲ سپتامبر در وین توسط (شورای حکام) آژانس صادر شد. این قطعنامه که پیش نویس آن توسط نمایندگان کشورهای بریتانیا، فرانسه و آلمان ارائه شده و مورد تایید آمریکا و ژاپن و استرالیا نیز بوده به رژیم ایران تا ۳۱ ماه اکتبر مهلت میدهد که اثبات کند مشغول تولید سلاحهای اتمی نیست. این قطعنامه همچنین از رژیم اسلامی خواسته است تا هر گونه برنامه غنی سازی اورانیوم را سریعاً متوقف کند. بطور خلاصه امضای پروتکل الحاقی آژانس بین المللی انرژی اتمی، توقف فوری غنی سازی اورانیوم و دسترسی نامحدود به اماکن و تاسیسات مشکوک به فعالیت هستهای مفاد این قطعنامه هستند. دبیر کل این سازمان، محمد البرادعی، در پایان این اجلاس اعلام کرد که «پیام بسیار محکم به ایران فرستاده شد تا با آژانس بین المللی انرژی اتمی همکاری کامل کند.» نمایندگان رژیم اسلامی در این آژانس متعاقباً تهدید کردند که ایران در روابط خود با آژانس تجدید نظر خواهد کرد.

جوانان کمونیست: اهمیت سیاسی

اسلامی را چگونه توضیح میدهند؟ علی جوادی: این نزدیکی و همگونی مقطعی و کوتاه مدت ناشی از منافع و مصالح مشترک در لحظه حاضر است. هر دو بلوک در اطمینان خاطر حاصل کردن از اینکه این رژیم اهداف نظامی هستهای دنبال نمیکند و یا در خلع سلاح هستهای آن اتفاق نظر دارند. اما با اهداف متفاوت استراتژیک. سیاستهای میان مدت و استراتژیک آمریکا و اروپای واحد دارای تفاوتها و ویژگیهای مهم و تعیین کننده‌ای در قبال رژیم اسلامی ایران است. اختلاف و رقابت اساساً بر سر حوزه نفوذ این دو بلوک در ایران و خاورمیانه است. ایران کنونی یکی از آخرین حلقه‌های نفوذ با اهمیت اروپا در خاورمیانه است. اروپای واحد میکوشد تا با فشار بر جمهوری اسلامی و متعهد کردن ایران به پروتکل الحاقی زمینه‌های دست بالا پیدا کردن سیاست آمریکا در قبال ایران را خنثی کند. آمریکا در اعمال فشار بر جمهوری اسلامی در لحظه حاضر قادر شده است که با صدای واحدی در قبال رژیم اسلامی قد علم کند. در آینده تفاوت‌های سیاسی در قبال ایران برجسته‌تر خواهد شد.

جوانان کمونیست: بعد از این قطعنامه ناظرین سیاسی از یک دو راهی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی صحبت میکنند، نظر شما چیست؟

علی جوادی: رژیم اسلامی در یک موقعیت حیاتی و سرنوشت ساز در مناسبات بین المللی خود قرار گرفته است. عدم امضای پروتکل الحاقی آژانس بین المللی اتمی عملاً به معنای آغاز یک پروسه مقابله جدی و تمام عیار بین المللی با رژیم اسلامی است. هم اکنون نیروهای اولترا راست اسرائیل در تدارک سیاسی حمله نظامی به

تاسیسات اتمی رژیم هستند. منتظرند تا چراغ سبز حمله را دریافت کنند. همچنین صحبت از قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل برای اجرای تحریم های اقتصادی در صورت عدم انجام تعهدات رژیم اسلامی به قطعنامه آژانس بین المللی انرژی اتمی است. اما از طرف دیگر دستیابی به سلاح اتمی برای جمهوری اسلامی برگی حیاتی در تعیین سرنوشت این هیولای اسلامی است. امضای قرار داد الحاقی پروسه دستیابی به سلاحهای اتمی برای جمهوری اسلامی را برماتب دشوارتر و پیچیده تر میکند و این رژیم را از اهرم تعیین کننده برای برهم زدن قوای سیاسی و تغییر موقعیت بین المللی خود محروم خواهد کرد. رژیم اسلامی در میانه راهی است که کره شمالی پیبمد. هرگونه پیشروی در این راه رژیم اسلامی را با خطرات بین المللی بسیاری روبرو خواهد کرد. اما تن دادن و پذیرش نیز این رژیم را از اهرم جلوگیری از فشار همه جانبه محروم خواهد کرد. رژیم بر سر یک دو راهی قرار گرفته است. هر دو راه مخاطرات جدی در مقابل رژیم قرار میدهند.

جوانان کمونیست: بین جناح های مختلف جمهوری اسلامی هم اختلاف تشدید شده است. به نظر شما کدام جناح در جمهوری اسلامی خواهد برسد؟ چه فاکتورهایی دخیل اند؟

علی جوادی: این دعوا برنده جناحی ندارد. در دور اول کشمکشهای درونی بر سر «الحاق» یا عدم «الحاق» جناحهای رژیم اسلامی صف بندی همیشگی خود را نشان دادند. این بحث اکنون به یکی دیگر از نقاط گرهی دعوی جناحها تبدیل شده است. جناح راست و خامنه‌ای امضای این پروتکل را از دست دادن «استقلال» و «خطای استراتژیک» و «باز شدن پای جاسوسها» میدانند.

جوانان کمونیست: نظر تان راجع به یک جمهوری اسلامی اتمی چیست؟

علی جوادی: جمهوری اسلامی اتمی یک ماشین کشتار دسته جمعی است که به سلاح اتمی هم مجهز شده است. شاید جمهوری اسلامی اتمی قادر شود توازن قوا و موقعیت اسلامی سیاسی در منطقه را تغییر دهد. این واقعیت را نمیتوان انکار کرد. اما حتی یک جمهوری اسلامی اتمی هم در مقابل جنبش انقلابی مردم برای سرنگونی تاب مقاومت چندان نخواهد داشت. بمب اتم را نمیتوان در مقابل اعتراضات جوانان و زنان و اعصاب سراسری کارگران و نهائیتا قیام آنها بکار برد.

باشند و تمام این «بایدها» تنها در گوی این است که ما محیط دانشگاهها را در دست خود بگیریم که قدم اول آن شروع مبارزات همه گیر در سطح کشور برای بازگشت محرومین از تحصیل به دانشگاهها و آزادی همه دستگیر شدگان اعتراضات امسال و تمام زندانیان سیاسی است.

باید شعار نویسی در محیط تحصیلیمان را گسترش دهیم. نفس شعار نویسی اعلام توازن قوای دیگری به رژیم و به همه کسانی است که شعارهای ما را میخوانند. شعار یعنی اعلام علنی خواستی توده‌ای و سراسری، یعنی دعوت به مبارزه متحد برای رسیدن به این خواستها. در دیوار مدارس و دانشگاههایمان را با شعارهایی مانند: «آزادی زندانی سیاسی»، «برابری بی قید و شرط زنان و مردان»، «دست مذهب از زندگی ما کوتاه»، «مرگ بر جمهوری اسلامی» و «زندمبار آزادی و برابری» پر کنیم.

باید با دستگاه سرکوب رژیم بشدت برخورد کرد. نباید گذاشت که حتی به کسی «چپ» نگاه کنند. هر

این حزب و این سازمان پیوست. واحدهای سازمان جوانان کمونیست را در هر کجا که هستید تشکیل دهید. از طریق این سازمان میتوانیم خواستههایمان را در سطحی سراسری طرح و مبارزات متحدی را برای به سرجام رساندن آنها آغاز کنیم. باید فشار بر گروهها و محافل رژیم از هر دو جناح آن را افزایش دهیم. این یعنی محیط مدارس و دانشگاههایمان را در دست خود بگیریم. دانشگاه باید محیطی برای جدل سیاسی و طرح خواستههای مردم باشد نه محیطی برای مزخرفات امامان جمعه و یا گروههایی که تنها از صدفه سر وجود دیکتاتوری اسلامی زنداند. دانشگاهها را باید به تربیین آزاد مردمی که نه زن ستیزند، نه دولت اسلامی میخواهند، نه زندانی سیاسی میخواهند و نه قوانین و مقررات قرون وسطایی رژیم اسلامی را دیگر تحمل میکنند تبدیل کرد. دانشگاهها باید تربیونی برای دفاع از مبارزات کارگران و کارمندان و معلمان باشند، دانشگاهها باید محلی برای دفاع از آزادی زندانیان سیاسی

از صفحه ۸
پیام بهرام مدرسی
سرنگونی رژیم اسلامی و میل به ایجاد جامعه‌ای آزاد و برابر را به همگان معرفی کرد. شکنندگی از آنست چون طی اعتراضات ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر نشان دادیم که دلقکبازی های رفرم و اصلاحات دیگر نمیتوانند کمکی به رژیم بکنند. که دوم خرداد خود بخشی از رژیم است. که ما کل رژیم اسلامی با خامنه‌ای و رفسنجانی و خاتمی و همه اهل بیتشان را سرنگون خواهیم کرد. موقعیت رژیم شکنندگی است چون بیشتر از سال گذشته در بن بست سیاسی و اقتصادی قرار گرفته است. چون مبارزات و اعتراضات کارگران، معلمان و مردم در سراسر ایران، گلوی رژیم اسلامی را گرفته‌اند. چون وجود رژیم اسلامی و حکومت اسلامی و خدا بیش از هر زمان مورد تنفر بشر آزادیخواه قرن ۲۱ در سراسر جهان است. جمهوری اسلامی آینده‌ای بجز شکست و سرنگونی ندارد!

بهرام مدرسی
۲۳ شهریور ۱۳۸۲ - ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۳

مبارز و آزادیخواه! دانشجویان و دانش آموزان کمونیست!

ما تا اینجا، در تضمین این آینده برای رژیم اسلامی نقش بزرگی ایفا کرده‌ایم. ما توانسته‌ایم با اعتراضات و مبارزاتمان فضای سیاسی جامعه را به امر سرنگونی رژیم اسلامی بیشتر متوجه سازیم. برای پیشبرد مبارزاتمان باید متشکلتر از آنچه که تاکنون بوده‌ایم عمل کنیم. محافل و تشکلهایی که فی الحال موجودند دیگر جوابگوی مبارزه متشکل و هماهنگ میلیونها دانشجو و دانش آموز نیستند. برای یک مبارز متحد، متشکل و هماهنگ باید با حزب و سازمانی کار کرد که این هماهنگی، اتحاد و مبارزه هدفمند را برای رسیدن به اهدافمان تضمین میکنند. این سازمان و حزب موجود اند. حزب کمونیست کارگری ایران و سازمان جوانان کمونیست، سازمان و حزب همه جوانانی هستند که خواهان مبارزهای قاطع، متحد و متشکل برای ایجاد جهانی بدور از اسلام و زن ستیزی و سرکوب هستند. باید به

دانشجویان و دانش آموزان

باید جهان را از دست بمب گذارها و ژنرالها درآورد!

منصور حکمت



گفتگوی زیر دو یا سه روز بعد از فاجعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با منصور حکمت صورت گرفته و با عنوان «پایان دادن به تروریسم کار ما است» در انترناسیونال هفتگی شماره ۷۱ به چاپ رسیده است. دو سال بعد، مطالعه ارزیابی دقیق منصور حکمت از آن واقعه و پیش بینی نتایج آن در معادلات بین المللی و آینده بشریت، بسیار خواندنی و درس آموز است. تقریباً هر آنچه که او در باره پدیده ای هنوز در جریان وقوع تحلیل کرد، بعداً در عمل صحت خود را به اثبات رساند. از استفاده آمریکا برای اعمال ابرقدرتی نظامی خود و حمله وسیع احتمالی به افغانستان و حتی اشغال عراق تا برخورد «پسپیده و بالغ» مردم غرب (که ما تجلی آنرا در تظاهرات های عظیم ضد جنگ عراق شاهد بودیم) یک به یک اتفاق افتاد. تنها کاری که اکنون باید اتفاق افتد فراخوان اصلی اوست: «پایان دادن به تروریسم کار ما است»!

نگاه مستتر در این مصاحبه را منصور حکمت در مقاله بلند «دنیای پس از ۱۱ سپتامبر» بسط داد. مقاله ای بسیار خواندنی که چهار بخش آن نوشته شد و دیگر سرطان لغتی به حکمت مهلت نداد. یادش گرامی باد.

(جوانان کمونیست)

هفتگی: در اثر حملات تروریستی و انتحاری به آسمانخراشهای مرکز تجارت جهانی در نیویورک و ساختمان پنتاگون در واشنگتن هزاران نفر از مردم آمریکا جانشان را از دست دادند. موضع حزب کمونیست کارگری ایران در قبال این واقعه چیست؟

منصور حکمت: حزب کمونیست کارگری فوراً اطلاعیه ای در این باره صادر کرد. ما این اقدام را بعنوان یک جنایت عظیم علیه بشریت، یک نسل کشی تمام عیار محکوم میکنیم. دل ما با مردم به خون کشیده شده آمریکاست و عمیقاً در اندوه آنها شریکیم. سازمانها و دولتهای مرتجع تروریسم را به گوشه ثابت زندگی در عصر ما تبدیل کرده اند. ما معتقدیم میشود و باید به نیروی مردم به تروریسم، اعم از دولتی و غیر دولتی خاتمه داد. برای ما روشن است که این واقعه، علاوه بر ابعاد باورنکردنی جنایتی که مستقیماً صورت گرفته است، تازه مقدمه اوجگیری بیشتر مسابقه تروریستی در سطح جهان است. یک روز سیاه، پیش درآمد مصائب بیشتر. فراخوان ما به مردم اینست که به میدان بیایند و دنیا را خود بدست بگیرند. باید جهان را از دست بمب گذارها و ژنرالها درآورد.

هفتگی: این اقدام تروریستی توسط

خودش، بر قدرت نظامی آن بنا شده. در مورد ابعاد عکس العمل آمریکا هنوز قطعیتی وجود ندارد. فکر نمیکنم خودشان بمب انداختن و موشک زدن از راه دور به شهرها و مناطقی از افغانستان را اقدامی کافی بدانند. اگر طالبان بن لادن را تحویل بدهد، شاید ابعاد نظامی عکس العمل آمریکا محدود بماند. اما در غیر اینصورت قاعدتها نوعی اشغال نظامی و پیشروی زمینی در افغانستان یا حتی در عراق را در دستور میگذارند. این خیلی چیزها را عوض میکند. چهره سیاسی دنیا عوض میشود.

هفتگی: در عکس العمل های اولیه به این واقعه در خود آمریکا از ضعفهای امنیتی و اطلاعاتی صحبت شده است. بطور واقعی در خاک آمریکا به ساختمان وزارت دفاع و مهمترین مرکز مالی حمله شده و تعداد زیادی مردم قربانی شده اند. تاثیر این واقعه روی موقعیت آمریکا در جهان بعنوان ابر قدرت چیست، آمریکا برای جلوگیری از افت موقعیت خود چه اقداماتی ممکن است انجام دهد؟

منصور حکمت: بنظر من اتفاقاً این تروریسم به نفع تشبیت چهره آمریکا بعنوان یک ابر قدرت کار میکند. ابر قدرتی آمریکا امری است که در برابر قطب های اقتصادی و سیاسی و نظامی دیگر در جهان سرمایه داری تعریف میشود و نه در برابر افغانستانی عراق و یا جهاد اسلامی و حماس. ابر قدرتی آمریکا به معنی فعال مایشانی است که در جهان است و نه نفوذ ناپذیر بودن فرودگاهها و نسوز بودن ساختمان هایش. فضای امروز جهان، پس از این واقعه، درست مانند دوران پس از اشغال کویت توسط عراق، فضای ابراز وفاداری مجدد قدرتهای دیگر غربی به آمریکا و تسلیم به تمایلات سیاسی و نظامی هیات حاکمه آمریکاست. این جنایت تروریستی به آمریکا یک چک سفید برای دخالتگری نظامی در هر جای دنیا و تاکید مجدد بر زعامت جهانی خودش میدهد. حال آنکه تا یکروز قبل، دولت آمریکا بخاطر طرفداری شور و لجبازانه اش از اسرائیل و شانه بالانداختنش در برابر قرارداد کیوتو (درباره حفظ محیط زیست) از طرف محافل بالا و رسانه ها در کشورهای غربی زیر فشار قرار گرفته بود. آمریکا از این واقعه بعنوان تخته پرش و بهانه و مقدمه ای برای یک قدرتمندی نظامی استفاده خواهد کرد. در کوتاه مدت همه قدرتهای غربی بله قربان خواهند گفت و خبردار خواهند ایستاد. در میان مدت اما، معادلات دیرپا تر اقتصادی و سیاسی مجدداً نقطه تعادل را به ضرر آمریکا تغییر خواهند داد.

هفتگی: بلحاظ سیاسی آیا این واقعه موضوعاتی مانند صلح خاورمیانه و مساله فلسطین را تحت تاثیر قرار میدهد؟ چگونه؟

منصور حکمت: در کوتاه مدت

قطعا همه چیز تحت الشعاع این واقعه قرار میگیرد. طرفین کشمکش در فلسطین و اسرائیل اکنون هردو بهت زده و بیحرکت و نگرانند. عرفات سرعت خود را به میکروفن میرساند و محکوم میکند تا مبادا گوشه ای از گناه را به پای او بنویسند. سران اسرائیل بشدت از این فرمولبندی که این واقعه امتداد مساله فلسطین و عکس العملی در برابر خشونت های اسرائیل است برآشفته میشوند و از خود سلب مسئولیت میکنند. اما تاثیرات این واقعه در میان مدت بستگی به عکس العمل اولیه آمریکا در برابر این واقعه دارد. اگر یک قدرتمندی خونین علیه سازمانهای اسلامی صورت بگیرد، آنوقت در پایان ماجرا، همانطور که در پایان حمله به عراق دیدیم، یک سبک دیپلوماسی برای صلح دادن دو طرف بر متن این نقطه تعادل جدید نظامی آغاز میشود. اما مساله فلسطین و موقعیت اسرائیل و اعراب ریشه های سخت تری در واقعیات محلی دارد. صلح در فلسطین بدون به چپ چرخیدن هردو جامعه در اسرائیل و در فلسطین مقدور نیست. سکولاریسم و عدالت طلبی در هر دوسوی این کشمکش باید بر قوم پرستی و مذهب چیره بشود، تا صلح ممکن بشود. مساله فلسطین راه حل نظامی ندارد. ارباب بر نمیدارد. در نتیجه نهایتاً تا نگرش دو جامعه نسبت به هم و صف بندی سیاسی میان چپ و راست در درون هردو تغییر نکند، مساله بجای خودش میماند.

هفتگی: در تبلیغات تاکنونی مدیای غربی این حملات تروریستی را تقابل با دموکراسی تعریف کرده اند و بعضی از «کشورهای اسلامی» را بنوعی در این تقابل گذاشته اند، آیا این ممکن است به رشد راسیسم در غرب دامن بزند؟

منصور حکمت: در رسانه های غربی رجعت محلودی به تزهاری «نبرد تمدنها»ی هانتینگتون را شاهد بوده ایم. اینکه این یک جدال «تمدنی» است، حمله ای است به «روش زندگی» غربی و به دموکراسی و غیره اینجا و آنجا شنیده میشود. اما حرکت بستر اصلی جامعه، و حتی خود سخنگویان دولت آمریکا، گواه این است که بیخ این دیدگاه نمیگیرد. من نگران عروج راسیسم در پی این ماجرا نیستم. راسیستها حتماً مدتی فعال تر میشوند و تحریک میکنند، اما جامعه غربی پشیمان میزند. برعکس، بنظر من مردم آمریکا، تا آنجا که از دور میشود فهمید، وقار و انسانیت تحسین برانگیزی در برابر چنین فاجعه تکان دهنده ای از خود بروز داده اند. بنظر من مردم آمریکا حتی یک عکس العمل نظامی بلا تبعیض از دولت آمریکا علیه مردم خاورمیانه را بسادگی نخواهند پذیرفت. این واقعه بزرگ تر از آن است که با کلیشه های رایج و پروپاگاندا بشود سراغش رفت. در نتیجه بنظر من جامعه غربی به این واقعه برخورد پیچیده تر و بالغ تری خواهد کرد. تکنولوژی ارتباطاتی

امروز در جهل نگاهداشتن مردم و تعصب خوراندن به آنها را دشوار تر کرده است. همان تلویزیونی که فاجعه نیویورک را جلوی چشم جهان میگرد، انهدام کابل را هم منعکس میکند. و کسی که بر فاجعه نیویورک اشک ریخته باشد، نخواهد توانست بسادگی برای تکرارش در کابل هورا بکشد.

هفتگی: در اطلاعیه حزب اشاره شد فاجعه نیویورک حلقه ای در تشدید یک مسابقه تروریستی است، مسابقه ای که اکثر دولتهای جهان از یک طرف و جنبش های ارتجاعی و ویژه اسلامی از طرف دیگر در آن شرکت دارند. چگونه به این مسابقه باید افسار زد و بنظر شما حزب کمونیست کارگری چه نقشی باید در مبارزه علیه تروریسم ایفا کند؟

منصور حکمت: پایان دادن به تروریسم کار ماست. کار مایی که برای برابری حقوق و حرمت انسانها و به کرسی نشاندن ارزش آنها تلاش میکنیم. تروریسم دولتی را با بزیر کشیدن دولتهای تروریست باید خاتمه داد. تروریسم غیر دولتی را باید با پایان دادن به مشقات و تبعیضات و استثمار و اختناق که انسانها را به استیصال سوق میدهد و قربانی جریانات و سازمانهای مرتجع ضد بشری میکند، از بین برد. با افشای مذهب، قوم پرستی، نژاد پرستی و هر ایدئولوژی منحطی که برای انسان احترام قائل نیست. پاسخ ما مبارزه برای ایجاد جوامع باز و آزاد و برابر است که در آن آدمیزاد و جان و حرمت و آسایشش ارزش داشته باشد. حزب کمونیست کارگری و احزابی نظیر ما، با هردو سوی این مسابقه تروریسم مقابله میکنند. با دولتهای مرتجع و با جنبشها و احزاب مرتجع. اما فعلاً چهره جهان را آنها ترسیم میکنند. ما و احزابی نظیر ما، باید بشریت نوعدوست و آزادیخواه را علیه کل این اوضاع به میدان بکشیم. و تا چنین نشده، این بساط ادامه دارد.

صفحه ۸

شاید باورت نشود!

آزادی زن از نظر کمونیستها شاید به نظر شما برای چپ حل شده باشد ولی به نظر من اینطور نیست. یکی از برتری های حزب کمونیست کارگری در کشش شگفت آور زنان به سوی آن میباشد. کمتر آلترا ناتیوی در ایران این همه در بین زنان هوادار دارد و به نظر من صحبت کردن حول مسئله ستمگشی زن برای بسیاری از زنان جالب و جذب کننده است و به ما کمک می کند با بالهای باز تری به سوی آزادی گام برداریم. یک دیگر از نقاط قوت ما ذخیره عظیم ایدئولوژیک منصور حکمت است به نظر من تعداد زیادی در چند ماه اخیر با حزب ما آشنا شده اند که آشنایی چندانی با منصور حکمت ندارند اگر این جلسات گامی در معرفی ژوین عزیز باشد، گام بزرگ دیگری بر داشته ایم...

درست مثل خود آمریکا؛ قطبی و پلاریزه شده! گفتگو با یک کم‌دین



برجسته Talk show های آمریکا تبدیل شد.

«عجیب است که مردم وقتی از من حرف میزنند از من بعنوان یک فعال سیاسی هالیوودی یاد میکنند. در حالیکه من نه در هالیوود زندگی میکنم و نه با آن همکاری ای دارم. آیا تا بحال مرا در مراسم اسکار دیده اید؟ و یا کسی من را دیده است که با لباس شب از یک لیموزین پیاده شوم؟!»
در شروع مصاحبه، اولین جمله ای که بعد از تعارف کردن سیکار به من گفت این بود:

«در دم و دستگاه بوش حتی یک نکته وجود ندارد که بشود به آن افتخار کرد. حتی یک نکته! حتی یک انسان عاقل و فهیمه نمی توانی پیدا کنی که بگوید هیات حاکمه بوش برای آمریکا خوب بوده است.»
— ژنین، چرا بر علیه جنگ با عراق اعتراض می کنی؟

«علت اینکه من بر علیه جنگ با عراق بصورت علنی صحبت میکنم و این موضوع رو دست می اندازم اینه که مردم ایتر از من خواسته اند. و همچنین برای اینکه متاسفانه که جنبش ضد جنگ بطور غم انگیزی مورد بی اعتنائی قرار گرفته است. اگر رسانه های مملکت بصورت صحیح و واقعی جنبش ضد جنگ را مطرح می کردند دیگر نیازی نبود که یک کم‌دین بیاید و این موضوع را به مسخره بگیرد! ولی من رفته رفته متوجه شدم که هیچکس در تلویزیون نمی خواهد راجع به این مطالب صحبت کند و زمانی که فعالان سیاسی از من درخواست کردند، با وجودیکه تمایل زیادی نداشتم، ولی پذیرفتم که که حرف بزنم. می دونید من نمی تونم

تحمل کنم در طول تاریخ به عده ای به شما بگند که خم شوید و سرتان را در شن فرو کنید تا ما بتوانیم یک بیرق در انتهای شما فرو کنیم! قابل تحمل نیست!»

— وقتی شما در سی ان و ان و فاکس و غیره بر علیه جنگ عراق صحبت کردید چه برداشتی از این کانالها پیدا کردید؟

«درست که افراد نازنینی در این کانالها وجود دارند که میخواهند شما بیایید و در برنامه شان صحبت کنید ولی متاسفانه در اینجور شرایط به شما شانس شرکت در یک مناظره حقیقی داده نمی شود. شما شانس اینرا ندارید که در مورد هیچ نکته عمیقی بحث کنید. فی الواقع شما از موضع سیاسی خود دفاع میکنید با این که بگویید چرا این فرم را انتخاب کرده اید، یا از میهن پرستی خود دفاع کنید ولی در آخر می بینید که یکی از این حرفها هم از کانال مربوطه پخش نمی شود!»

کاروفالو بر این عقیده است که رسانه های گروهی بطور زننده ای فاقد مناظره و بحث حقیقی هستند و بطور نگران کننده ای از پخش اخبار واقعی اجتناب میکنند و در اصل تبدیل به سگ های نگهبان دولت بوش شده اند.

وقتی از او سوال میشود که در مقابل این تمجید مردم که او را با شهامت میدانند چه میگوید، اظهار میدارد:

«کجایش شهامت دارد؟ گفتن که هیچ شهامتی نمی خواهد. اینکه بگویی: آهای! من فکر نمی کنم این کار درست باشد، یا اینکه، من احساس نمی کنم که ما در یک نظام با دموکراسی حقیقی زندگی می کنیم، یا اینکه من احساس میکنم که به بازی گرفته شده ام. این که شهامت نمی خواهد. شعور میخواهد! در ضمن من فکر میکنم که من حق انتخاب دارم. من میتوانم روی کاناپه دراز بکشم و به آنچه کانال فاکس نشان میدهد فمخش بدهم و یا اینکه میتوانم بروم در یک برنامه کانال فاکس ظاهر شوم و صدایم را به گوش همه برسانم (حتی اگر مجری برنامه خوشش نیاید!!)».

— آیا فکر میکنید یک لیست سیاه در هالیوود باشد که نام اشخاصی مثل شما در آن باشد؟
— (نه، بعلاوه، نام من در هالیوود در لیست «آنهاهی که بندرت کار میکنند!» قرار دارم. بنا بر این یک تعریف بزرگ از من محسوب خواهد شد، اگر نام من در یک لیست سیاه قرار بگیرد.)

— مخاطبین شما وقتی که بر علیه جنگ حرف میزنید چگونه واکنش نشان میدهند؟

«مخاطبین من درست مثل خود آمریکا واکنش نشان میدهند: قطبی و پلاریزه شده! بعضی ها واقعا گل از گلشان میشکند و بعضی ها میازان میزن و یا هو میکنند و یا چیزی پرت میکنند. تا به این حد احساسات شان برانگیخته میشود.»

دست بردن به اسلحه؟ به موقع خبر خواهیم کرد!

گفتگو با بهرام مدرسی دیر سازمان جوانان کمونیست

جوانان کمونیست: یکی از خوانندگان نوشته بود که جوانان محله او آماده اند تا اسلحه بدست بگیرند و علیه جمهوری اسلامی مبارزه کنند. سؤالی که طبعاً مطرح میشود اینست که آیا سازمان جوانان کمونیست امروز مبارزه مسلحانه علیه رژیم اسلامی را در دستور می بیند؟

بهرام مدرسی: این سوال را با بله یا خیر نمی شود پاسخ داد. اولاً خود صرف طرح این سوال یعنی اینکه جوانان در ایران تا آنجا خواهان سرنگونی و به زیر کشیدن رژیم اسلامی هستند که بخشهایی از آنها حاضرند امروز دست به اسلحه ببرند. این عمق ناراضیاتی از رژیم اسلامی و این شوق عمل مستقیم برای سرنگونی این حکومت سیاه مذهبی، قطعاً می یابستی به ما، به سازمان جوانان کمونیست رجوع کند و خواهان جواب بشود. برای من این رجوع و این سوال راستش عمق اعتماد به سازمان جوانان کمونیست را نشان میدهد و بسیار محترم است.

اما به اصل سوال برگردم، ما امروز تبلیغ شروع مبارزه مسلحانه را نمیکنیم. دلایل هم این است که توازن قوای موجود این را ایجاد نمیکند. در این شکی نیست که رژیم اسلامی با حرف خوش کنار نمیبرد. اینها قطعاً مقاومت میکنند و این مقاومت باید قطعاً محکم در هم شکسته شود، امروز اما هنوز وقت آن نیست. وقت آن نیست چون با هر حرکت نظامی و مسلحانه علیه رژیم اینها میتوانند متحد شوند و همین را بهانه ای برای سرکوب خوین اعتراضات مردم کنند. تأکید میکنم که توازن قوای امروز مناسب نیست. مردم امروز چه در محلات و کارخانجات، چه در دانشگاهها و مدارس و ادارات و خلاصه در تمام گوشه و کنار آن جامعه میلیونی دارند هنوز خودشان را برای مبارزه علیه رژیم آماده میکنند. شروع عمل مسلحانه امروز نه به نفع این آماده شدن که دقیقاً علیه آن عمل میکند. آنرا قیچی میکند. به رژیم بهانه میدهد که بریزد و بکشد و سرکوب کند. امروز توازن قوا اینطور است که شما راست راست در خیابان میتوانید راه بروید و با مردم علیه رژیم بحث کنید و همیگر را تشویق کنید که باید این رژیم را سرنگون کرد و غیره. این یعنی همین آماده کردن. آماده شدن. جواب من به آن جوانانی که از شدت نفرت از رژیم اسلامی حاضرند همین امروز دست به اسلحه ببرند این است. امروز وقت آماده شدن است. باید مردم را متحد و متشکل کرد. باید چنان اتحادی بوجود آورد که اگر رژیم

خواست جنگ آخرش را بکند و بزند و بکشد، بتوانیم جوابش را بدهیم. این یعنی متشکل شدن، تبلیغ کردن و هم نظر شدن در مورد آینده و اینکه میخواهیم چی جای رژیم اسلامی بگذاریم.

جواب این سوال همانطور که گفتم بله یا خیر نمیتواند باشد. به شرایط معین سیاسی بستگی دارد. آرزو که این اتحاد و توازن قوا بوجود آمد میتوان دوباره به این سوال برگشت و جواب آرزوی را به این سوال داد.

جوانان کمونیست: ظاهراً نیروهای معینی همین امروز تبلیغ مسلح شدن و مبارزه مسلحانه میکنند، نظر شما راجع به اینها چیست؟

بهرام مدرسی: این نیروها با این کار خود به نظر من عمق بی مسئولیتی خود را در قبال مبارزات مردم، حفظ جان مردم و آینده سیاسی ایران نشان میدهند. اینها یا وابستگان به نیروهایی هستند که تاریخاً، جان و امنیت مردم برایشان ارزشی نداشته و چندین سال است که سعی میکنند با لشکر تانک و توپ و غیره به جایی برسند. یا کسانی هستند که ظاهراً خیلی از رژیم اسلامی نفرت دارند اما عملاً میتوانند به بقای آن کمک کنند. این بهرحال امروز بشدت خطرناک است و باید از آن پرهیز کنیم. همه یا دیده ایم و یا شنیده ایم که چطور در اوایل سرکار آمدن رژیم اسلامی ترورهای گروههای معینی بهانه دست رژیم اسلامی داد که محیطهای کارخانه و ادارات و دانشگاه و محله را پلیسی بکند و مردم را بترساند. شعار دست به اسلحه بردن همیشه نشانه جلیت و دلاوری نیست. این میتواند برعکس نشان دوری از زندگی واقعی مردم و ملزومات واقعی سرنگونی رژیم اسلامی باشد. میتواند درست علیه مردم باشد و نکته این است که این امروز علیه مردم است و همانطور که گفتم آن حرکتی را که امروز برای آماده شدن و متحد شدن در جریان است را قطع میکند، به رژیم اسلامی امکان میدهد که آنرا سرکوب کند. این امروز به نفع ما نیست.

جوانان کمونیست: بعضی ممکن است بگویند چرا نشود جنگی چریکی را علیه رژیم اسلامی آغاز کرد؟ و بخواهند تجربه کویا یا ویتنام را مثال بیآورند و بگویند مگر مردم بقول شما خواهان مبارزه رژیم نیستند، خوب با این سازمان چریکی مردم را به میدان می کشند؟

بهرام مدرسی: مردم قطعاً خواهان سرنگونی رژیم اسلامی هستند، همانطور که مردم ویتنام خواهان سرنگونی حکومت دست نشانده آمریکا بودند. همانطور که مردم کویا خواهان سرنگونی حکومت باتیستا بودند. ولی همانطور که در جواب سوالهای قبلی گفتم نمی شود بدون در نظر گرفتن صفحه ۵

سوسیالیسم جبری نیست، ضروری است!

مصطفی صابر

در باره: سوسیالیسم، انقلاب جهانی جبر تاریخ، حزب، اترنالیسم و سوسیالیسم در پاسخ به صفا رهایی

رها عزیز! نامه شما شاهد دیگری بر این است که چگونه روی آوری جدی به مارکسیسم در بین جوانان تازه آغاز شده است. نسل مارکسیست های جوان ایران دارد پا به میدان میگذارد و بسیار خوشحالم که شما سولاتتان را با ما در میان میگذارد. بگذارید از سوال آخر شما شروع کنیم.

اما ابتدا مایلم دو کلمه راجع به متن طرح یک سوال و طبعاً پاسخ به آن متذکر شوم. طرح صحیح مساله حتی بیشتر از نصف حل مساله است! هرگاه هر سوالي در مورد کمونیسم به نظرتان میرسد این نکته مهم را مورد توجه قرار دهید که کمونیسم صرفاً تئوری نیست، پاسخ های یک و یا چند مغز متفکر یا انسانهای شریف و انقلابی به مسائل دنیا و بشریت نیست، بلکه یک جنبش اجتماعی است که البته پاسخ های تئوریک خودش را به وضعیت موجود دنیا دارد. بنا براین هر جا به مساله ای برخورد میکنیم باید پرسیم که: این جنبش اجتماعی معین در مقابل این مساله چه باید بکند؟

جنبش اجتماعی که کمونیسم یا صحیح تر کمونیسم کارگری بطور همه جانبه ای آنرا نمایندگی میکند، اعتراض طبقه کارگر (یعنی اکثریت عظیم تمامی جوامع موجود) به بردگی مزدی و استثمار سرمایه داری است. خوب پس سوال آخر شما در واقع اینطور میشود: آیا این جنبش میتواند در یک کشور معین به پیروزی برسد؟ آیا این پیروزی میتواند ثبات داشته باشد؟ آیا لازمه پیروزی کمونیسم یک انقلاب جهانی نیست؟

۱. سوسیالیسم و انقلاب جهانی

کمونیسم یا جنبش طبقه کارگر و مردمی که به او می پیوندند تا

بشر را از شر سرمایه داری رها کنند البته یک جنبش جهانی است و پیروزی آنها میتواند جهانی باشد. اما باید دقت کرد که همین جنبش در هر منطقه از جهان در مراحل مختلفی قرار دارد. بعضی جاها بسیار پرانگیزه و نا آگاه بدون حزب و سازمان مستقل خویش است و مجبور است بعنوان جناح چپ جنبش های دیگر و گروه فشاری بر آنها عمل کند. در جایی هم ممکن است این اعتراض تحت رهبری حزبی نشود و بتواند قدرت را بگیرد و اقدام به برقراری سوسیالیسم کند. آیا به نظر شما چنین طبقه کارگری در چنین کشوری باید دندان روی جگر بگذارد و با همه استثمار و سرکوب و تحقیر روزمره بسازد به این امید که روزی انقلاب جهانی خواهد شد و همه دنیا رها خواهد شد؟ آیا این نوع انقلاب جهانی بیشتر شبیه «ظهور ناجی موعود» نیست؟ بنظر ما هست. ما مبارزه واقعی و زنده فعلی را به پیش میرانیم و رهبری میکنیم. اگر جایی بشود قدرت را گرفت (مثل اوضاع امروز ایران) این شانس را یک ذره هم که باشد از دست نخواهیم داد.

بعلاوه اگر به ضرورت یک انقلاب جهانی اعتقاد داشته باشیم باید به این نکته اهمیت ویژه بدهیم: طبقه کارگری که در قدرت است هزار بار بیشتر در موقعیتی قرار میگیرد تا بتواند برای رهایی نهایی و قطعی بشریت از سرمایه داری و بنای یک جهان برابر و آزاد سهم خود را ادا کند. کمونیستها و طبقه کارگری که از گرفتن قدرت و تغییر فوری زندگی استنکاف میکنند هیچ کار جدی هم در قبال رهایی جهانی اش انجام نداده است. بنا بر این «ایجاد حکومتی سوسیالیستی» در نقاط مختلف جهان نه فقط مطلوب بلکه ضروری است. برای همان رهایی جهانی از شر سرمایه داری ضروری است. میشود پرسید آیا چنین چیزی اصولاً ممکن است؟ طبعاً بر پای یک حکومت سوسیالیستی و برقراری سوسیالیسم در یک کشور معین آسان نیست، اما در شرایط فعلی ایجاد حکومت های سوسیالیستی به



نسبت یک انقلاب جهانی و یا حتی انقلاب هم زمان در چند کشور، بیشتر ممکن به نظر میرسد. بهر حال بحث ممکن بودن یا نبودن برقراری سوسیالیسم و حکومت سوسیالیستی، بحث توازن قوای سیاسی معین است. تا آنجا که به ایران بر میگردد، با توجه به بحران جمهوری اسلامی، نارضایتی وسیع جامعه، آمادگی نسبی جنبش ما بواسطه حضور و موقعیت حزب کمونیست کارگری، این شانس وجود دارد. (در این مورد حتماً به بحث «آیا کمونیسم در ایران پیروزی میشود؟» از حکمت مراجعه کنید).

با اینهمه تصرف قدرت سیاسی از طرف پروتاریا و حزبی و پیشروی علیه سرمایه داری و حتی الغاء بردگی مزدی در یک کشور معین هنوز به معنی نابودی سرمایه داری و پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم به معنی تاریخی آن نیست. سرمایه یک پدیده جهانی است. تولید و توزیع یک امر جهانی است و سرمایه بر آن حاکمیت دارد. رهایی قطعی از شر سرمایه داری و برقراری کمونیسم به معنی «فاز بالایی جامعه سوسیالیستی» (که مارکس در جزوه «نقد برنامه گوتا» توضیح میدهد) فقط میتواند یک امر جهانی باشد. البته باید در این جهت تلاش کرد. فعلاً بهترین و مشمّر ترین قدم این است که مثلاً در ایران قدرت را تصرف کنیم و با پس راندن سرمایه داری، زندگی بهتر و مرفه و شاد و آزاد بوجود بیاوریم. خود همین بهترین مشوق تمام کارگران و مردم جهان برای تعیین تکلیف با سرمایه

درخواست: به سولات من جواب دهید!

رها صفايي

حرکتها و جنبشهایی که در این سالهای اخیر (بعد از خرداد ۷۶) در فضای سیاسی کشور شکل میگیرد فضای حاکم بر جامعه را از حالت انفعالی خود خارج کرده و روح امید را دیگر بار در آن دمیده است. در این شرایط ذهن جوانان ایرانی بیش از پیش به سوی درک بهتر مسایل سیاسی جاری کشور و چگونگی حرکت جامعه متمایل شده است.

من هم دختری ۱۹ ساله هستم در همین رده سنی و به ناچار حکم کلی که در بالا ذکر کردم مرا نیز پیش و کم در بر میگیرد. اما مدتی است جذابیت پیگیری مسایل سیاسی روز کشور در من کمتر (شده) و علاقه به درک و تحلیل حرکت کلی جامعه (بصورت واضح تر و آشکارتر) جایگزین آن شده است.

از آنجا که جامع ترین منقولات و مکتوبات و تجربیات موجود در این زمینه مربوطه به طلایه داران جنبش چپ در جهان میشود (کسانی همچون مارکس، انگلس، لنین، لوکزامبورگ و...) مطالعه کتابهای وابسته به این نهضت برایم دارای جذابیت شد و شروع به مطالعه در این زمینه کردم. و حالا با توجه به مطالبی که در بالا آوردم (همچنین بعلمت آنکه سازمان کمونیست کارگری را جزو فعالترین سازمانهای کمونیستی فارسی زبان در امر اطلاع رسانی میدانم) از شما درخواست میکنم در صورت امکان با پاسخ گویی به سولاتم (به هر صورت مقدور) در این راه به من کمک برسانید.

با تشکر

سولات:

۱. فرهنگ سیاسی آشوری در تعریف بلشویسم آورده است: «... اصالت تاریخی آن در این است که در عین چسبیدن به مارکسیسم این اندیشه مارکسیستی را که رهایی طبقه کارگر به دست خود آن انجام

داری و مصائبش خواهد بود. این مبارزه، یعنی پیروزی کمونیسم در ایران و جلب حمایت جهانی مردم کارگر و آزاده جهان به آن، یک قدم

خواهد شد، رها کرد و اندیشه ای را که ریشه در بلاتکلیف ... داشت جانشین آن کرد. این اندیشه چنین بود که انقلاب اجتماعی هنگامی روی خواهد داد که آگاهی طبقاتی از بیرون، از رده انقلابیون حرفه ای در میان گروه روشنفکران سوسیالیست به طبقه کارگر برسد.»

در کتاب «مبانی و چشم اندازهای حزب کمونیست کارگری» آقای حکمت روی این موضوع تاکید کردند که جنبش کارگری جنبشی قائم به ذات است. آیا میتوان از گفت آقای حکمت استنباط کرد که حزب شما مخالف تئوری ایجاد گروههای پیش آهنگ به منظور افزایش آگاهی سیاسی کارگران می باشد؟

۲. در طی خواندن این کتاب ((مبانی...)) جمله تحقّق سوسیالیسم جبر تاریخ نیست مرا به وحشت انداخت. دلیل این اعتقاد حزب را برایم توضیح دهید.

۳. در کتاب مبانی و چشم اندازهای حزب کمونیست کارگری به وضوح اشاره شده که اترنالیسم از پایه های عقیدتی حزب شماس است. همچنین آقای حکمت در مصاحبه رادیویی با رادیو اترنالیسم (لغو مجازات اعدام) ذکر کرده بودند که حزب کمونیست کارگری امیلوار است در آینده در اداره ایران سهمی باشد.

با توجه به این مطالب سوالي برای من طرح شد: آیا یک حکومت ملی میتواند در عین حال اترنالیسم باشد؟ آیا تصور نمی کنید که برای تامین منافع ملی یک کشور ناچار خواهید شد منافع ملل دیگر را کم اهمیت یا بدون اهمیت قلمداد کنید؟

۴. در ضمن سوال دیگری بازهم در رابطه با مساله حاکمیت حزب کمونیست (کارگری) برایم مطرح شده است. آیا شما اعتقاد دارید ایجاد و ثبات حکومتی سوسیالیستی در نقاط محدودی از جهان امکان پذیر است؟ و یا بالعکس حکومت سوسیالیستی حتماً باید در بستری جهانی تحقق یابد؟ متشکرم از وقتی که به من اختصاص دادید.

تاریخی در جهت تسهیل شرایط برای یک انقلاب جهانی واقعی است. (برای مطالعه بیشتر به «مارکسیسم صفحه ۶

مردم در شهرها این را ایجاد میکنند. شرایط زندگی و به طبع آن مبارزه مردم به نسبت سالهای ۶۰ و ۷۰ بشدت تغییر کرده است. چیزی که شما امروز با متشکل کردن مردم در ۵ شهر بزرگ ایران و سازمان دادن مبارزه متشکلهشان میتوانید به دست آورید را با ۲۰ سال مبارزه چریکی هم نمیتوانید کسب کنید. این واقعیت امروز زندگی ما در ابتدای قرن ۲۱ است. راههایی که این واقعیت را نمیبینند را باید کنار گذاشت. اینها بشدت مضرنده.

جوانان کمونیست: پس فعلاً وقت اسلحه نیست؟

امروز در ایران جانشان از دست جمهوری اسلامی به لبشان رسیده است. غیر ممکن است. یعنی اینکه بچههایشان را ول کنند که گرسنگی بکشند. چه کسی حاضر است امروز این قدم را بردارد؟ جوانان بطور طبیعی فعلاً چنین تعهداتی را ندارند و بهمین جهت راحتتر از سایر اقشار جامعه چنین آلترناتیوی را قبول میکنند.

ولی همین جوان هم بعد از چند سال بالاخره به سنی میرسد که به زندگیش و خانواده فکر میکند. از طرف دیگر امروز بخصوص قلب مبارزه علیه رژیم اسلامی در شهرها میتپد. سرمایه داری و تمرکز زندگی اجتماعی

گرسنگی قرمه سبزی است! گفتیم که شرایط سیاسی متفاوت است. حال بماند که مبارزه مردم ویتنام و کویا مبارزاتی ملی بودند و خصلت متفاوتی از مبارزه امروز مردم ایران علیه جمهوری اسلامی داشتند.

دوم اینکه برای من جدا تصور اینکه بشود جنگ چریکی طولانی مدت را امروز سازمان داد کمی دور از واقعیت است. چه کسی قرار است چریک بشود؟ فراموش نکنید کسی که چریک میشود خانواده و تمام مسئولیتهایی را که در قبال فرزندان خود دارد را فعلاً کنار میگذارد. این برای بخش عظیمی از مردمی که

از صفحه ۹ دست به اسلحه

شرایط معین سیاسی نسخه پیچید. شرایط معین سیاسی و اجتماعی و جهانی وجود داشت که این امکان را به ویتکنگها داد که چندین سال جنگ بکنند. لابد مردم برای این عمل آماده بودند و از آن مهمتر اتکاء آنها به بلوک شرق آنوقت را نباید فراموش کرد. امروز این شرایط بکلی متفاوت است. قرمه سبزی هم همیشه خوشمزه نیست! به صرف اینکه روزی، جایی، حسابی گرسنه بودید و قرمه سبزی همسایه حسابی چسبید که نمیشود گفت: جواب هر

سینا کارگر قهران
دیالکتیک چیست!

«سلام رفیق مصطفی. این فایل در باره دیالکتیک است. بخوانید. در نشریه چاپ کنید! مطلب جالب و روشنگری هست. شما که کتاب پولیتسر رو نفی میکنید بهتر هست چیزی معرفی کنید. به نظر من این مطلب چیز جالبی باشد. فعلا بای، خوش باشید» سینای عزیزم. من متن ارسالی

از صفحه ۵

سوسیالیسم ضروری است

و جهان امروز» اثر حکمت مراجعه کنید.

۲. سوسیالیسم و جبر تاریخ

تاریخ البته قوانین عینی دارد. مارکس کسی است که دقیق تر و همه جانبه تر از هر کسی این قوانین را توضیح میدهد. (به مانیفست و ایدئولوژی آلمانی رجوع کنید). اما قوانین تاریخ مثل قوانین فیزیک و شیمی و مکانیک، روابطی بین پدیده های بی شعور نیست. پراتیک اجتماعی انسانها فاکتور تعیین کننده ای در تحولات تاریخی و متحقق کردن همان قوانین عینی است. اگر بقول مانیفست مبارزه طبقاتی موتور محرکه تاریخ بوده و هست، پس برقراری سوسیالیسم هم، هر اندازه از لحاظ اقتصادی ضروری و اجتناب ناپذیر شده باشد، باید از طریق مبارزه طبقاتی خود را متحقق کند. عبارت دیگر، تا طبقه کارگری پیدا نشود که خود را بصورت قدرت سیاسی متشکل کرده و جامعه را پشت خود کشاند نمی توان سوسیالیسم را برقرار کرد. اگر هزار سال هم بگذرد و چنین مبارزه ای سازمان نیابد خود سرمایه داری بدست خود و به احترام «جبر تاریخ» استعفا نمی دهد. یعنی برخلاف تعبیر دترمینیستی (جبرگرایی) قرار نیست که خود بخود، بدون دخالت آگاهانه انسانها و مطابق یک لیست از پیش تعیین شده بعد از سرمایه داری نوبت سوسیالیسم فرا رسد. امروز همه چیز حکم میکند که باید سوسیالیسم برقرار شود، اما قدرت عظیم سرمایه جهانی (که وارونه شده قدرت کارگران است) و دولتهای تا بیخ دندان مسلح سرمایه داری مانع این ضرورت و حکم تاریخ یعنی برقراری سوسیالیسم اند. اجرای این حکم تاریخ کار خود انسانها و سازمان و مبارزه و تلاش پیگیر و خستگی ناپذیر آنهاست. بنا بر این رها جان، از اینکه ما میگوییم سوسیالیسم جبری نیست، نباید «وحشت» کرد. از این باید وحشت کرد که خیال خودمان را راحت کنیم که روزی سوسیالیسم فرا خواهد رسید! تازه این بهترین حالت است. نظریات جبرگرایانه عملا به اینجا منجر خواهد شد: «برای اینکه

شما با عنوان «دیالکتیک چیست؟» که ترجمه صفحاتی از کتاب «جان ریس» بنام «جبر انقلاب» است را خواندم. راستش مطلب به نظر من آنقدر جالب نیامد. حتی ساده و روشن هم نیست. بعوض همانطور که در این نشریه بارها پیشنهاد کرده ایم، میتوانید جزوه معروف انگلس «لودیگ فوئر باخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمانی» را بعنوان یک متن پایه برای شروع مطالعه در زمینه متد مارکسیستی استفاده کنید. خصوصا بخش اول آن توضیح جالب، شفاف و دقیقی در مورد دیالکتیک است و فصل چهارم آن توضیح میدهد که چگونه نقد

مارکس بر دیالکتیک هگل شکل گرفت. در هر حال از توجهت بسیار سپاسگزارم و خیلی دلم میخواهد این کتاب انگلس را بخوانی و با هم حول آن بحث کنیم.

یاشار از قهران
یاشاسون رفقا!

«صابر عزیز، خسته نباشی. شماره ویژه سالگرد (۱۰۶) را خواندم و میخواهم حرف خودم را توضیح کنم. من در نوشته ام (به همان شماره مراجعه کنید). گفته بودم که به مانند یک جزیره تنها هستیم. اما این شماره به من ثابت کرد اینطور

سیاسی و تحقق واقعی و عملی سوسیالیسم بود. کمتر نوشته ای از حکمت را میتوانید پیدا کنید که در آن گوشه ای از ثوری حزب را (که به نظرم او آنرا از بحث های لنین فراتر برد و تصویر دقیق و همه جانبه ای از حزب و اهمیت آن در مراحل مختلف مبارزه داد) توضیح نداده باشد.

اما نقلی را که از آقای آشوری آورده اید، یک اتهام کهنه و پوسیده به لنین و انقلاب بلشویکی است. لااقل در این نقل، «فرهنگ سیاسی آقای آشوری»، «فرهنگ سیاسی بورژوازی» و ضد بلشویکی است. بلشویسم و لنین تر اساسی مارکسیسم که «رهایی طبقه کارگر به دست خود انجام خواهد گرفت» را کنار نگذاشت. همه تلاش و مشغله هر روزه لنین این بود که چگونه حزب بلشویک میلیونها کارگر را بسیج و متشکل کند و رهایی را بدست خود همین ها متحقق کند. ولی لنین این نکته را خوب دریافته بود که از حکم «رهایی طبقه کارگر بدست خود» نباید این تصور عقب مانده و احمقانه را داشت که پس باید روزی منتظر شد تا طبقه کارگر بیاید و خودش را نجات دهد! آنهم در شرایطی که دائما دارد بین کارگران تفرقه و رقابت تولید و باز تولید میسود، خرواری از خرافه هر روز روی سرشان میریزد، هر حرکت آنها با پلیس و زندان و قانون بورژوازی جواب میگردد. خیر او همانطور که مانیفست کمونیست بروشی بر نقش «اتتلاف کارگران» (تشکل های توده ای)، «حزب سیاسی» و لزوم «تصرف قدرت سیاسی» تاکید میگردد، بر نقش عنصر فعاله در تحولات تاریخی آگاه بود. او هم حزب و هم قدرت سیاسی و دولت بلشویکی را ابزارها و محمل هایی برای سازمان دادن میلیونی توده های کارگر و زحمتکش برای بنای جامعه ای نوین میدانست.

بازهم جالب است که آقایانی پیدا میشوند که از لنین «مارکسیست» تر از کار در می آیند و به کارگران میگویند لنین پلانکیست بود و جدا از توده ها عمل میکرد! راستش بورژوازی از دست لنین خیلی (حتی بیشتر از مارکس) عصبانی است چرا او راه تصرف قدرت توسط پرولتاریا و حزش را باز کرد.

نیست. که اگر بود جوانان کمونیست معنی نمیداد! و میخوام درود بفرستم بر این نسل پرشور. که هر چیزی را همینطور قبول نمی کنه و مشتاقانه در پی این هست که دنیا را تغییر بدهد. درود بر همه شما، یاشاسون رفقا!»

یاشار عزیز «تصحیح» تو پرارزش ترین چیزی بود که میشد راجع به نشریه گفت. امیدوارم که ما فی الواقع بتوانیم نشریه این نسل شویم. این نسل من و شما که سهل است، میتواند کل جامعه ایران را تغییر بدهد و تاثیری تاریخی بر جهان معاصر خود بگذارد.

۴. سوسیالیسم و انترناسیونالیسم

رها جان، حکومت سوسیالیستی در یک کشور معین بر خلاف گفته شما «حکومت ملی» نیست. بگناید در این رابطه تعبیر جالب و دقیق مانیفست را نقل کنم. (ضمنا مانیفست کتابی است که هر مارکسیستی باید عمیقا آنرا مطالعه کند). مانیفست میگوید که پرولتاریا در وحله اول باید تکلیف را با بورژوازی کشور خود یکسره کند. مبارزه او در وحله هنوز خاصیت (شاید بهتر باشد بگوییم محدودیتی) ملی دارد، اما نه آنطور که بورژواها جنبه ملی را میفهمند.

بعبارت دیگر حکومت کارگری در مقابل ملل دیگر قد علم نمی کند. نمی خواهد از منافع ملت خودی در برابر ملل بیگانه دفاع کند. این حکومت دارد از سوسیالیسم در حال پا گرفتن در مقابل بورژوازی زخم خورده و عصبانی دفاع میکند. برای این کار اتفاقا دست یاری به سوی همه کارگران و مردم آزاده «ملت های بیگانه» دراز میکند. میکوشد که اجازه ندهد کارگران و مردم کشورهای دیگر فریب بورژواهای خودشان را بخورند و حکومت کارگری و سوسیالیستی را «تهدید منافع ملی» خود محسوب کنند.

این یک وجه بسیار حساس و تعیین کننده در امکان پیروزی کمونیسم و سوسیالیسم در ایران است. ما باید به تمام مردم جهان نشان دهیم که جمهوری سوسیالیستی در ایران نماینده مجسم تمدن و روابط متقابل برابر در سطح بین المللی، نماینده برابری زن و مرد، نماینده حرمت و احترام به انسان، نماینده آزادی بی قید و شرط سیاسی و بی سابقه ترین آزادی که بشر تا کنون به خود دیده است خواهد بود. ما باید نشان دهیم که جمهوری سوسیالیستی در ایران نماینده بالاترین امکانات برای رشد فردی، مبدع بهترین روش ها و مناسباتی برای غلیان ابتکارات فنی، علمی، هنری و بهبود زندگی اجتماعی است. ما باید در برابر هر فرد شریف و کارگری در جهان این تصویر را بگذاریم که بهترین برنامه های سواد آموزی و تحصیل مجانی، بهترین شرایط طب عمومی، کوتاه ترین ساعات کار و ایجاد شرایط فراغت و شادی و

یک دقیق از قهران
هزارها، ده هزارها!

رفیقی که نامش پیش ما محفوظ است نوشته اند: «سلام مصطفی جان. مصاحبه ات (۱۰۶) را خواندم. نمیدانستم که برای نشریه اینقدر کار میکنی و نمی دانستم که اینقدر دلت از دست ما پر است. در هر صورت اگر این چند هفته ناراحت کردیم ببخش. خسته نباشی. ۱۰۰۰ تا! راستی من جدا میگویم کار را با ما تقسیم کن. به ما کار بده. برایت انجام میدهم... راستش وقتی صفحه ۷

سرنزدگی را داریم فراهم میکنیم. ما باید خودمان را با این چیزها در سطح جهان تداعی کنیم و البته نشان دهیم که مصممانه از همین ارزش ها دفاع خواهیم کرد. اگر ما به دفاع از «منافع ملی ایران» بیفتمیم همان اول حکم شکست خود را داده ایم. چرا که در همان قدم اول خود را از حمایت موثر و تعیین کننده مردم آزاده ای که برای آن ارزش های انسانی حاضر به مبارزه و فداکاری هستند، محروم کرده ایم. ثانیا حتی اگر بشود با سوار شدن بر ناسیونالیسم ایرانی حتی «سرمایه داری ملی تحت نام سوسیالیسم» ایجاد کرد، این بازهم یعنی شکست ما. سرمایه داری چه دولتی چه خصوصی یعنی اینکه باز ما باید برویم مزدمان را بفروشیم و برای دفاع از «منافع ملی خودمان» در برابر «ملل دیگر» استعمار شویم، دپیرس و معیوب و تحقیر و تحمق شویم و صدایمان هم در بیاید به جرم ضدیت با منافع ملی زنان و شکنجه و اعدام میکنند. می بینی که این اصلا به درد جنش ما نمی خورد. به عبارت دیگر ما نه خودمان را «حکومت ملی» به معنی معمول امروز میدانیم و نه جنگی به منافع ملی دیگران داریم. این صورت مساله ما نیست. این صورت مساله ای است که بورژوازی میخواهد به ما تحمیل کند. نباید به این دام افتاد. ما اتفاقا میخواهیم تمام بنیاد های مادی ملی گرای و تقسیم انسانها به ترک و فارس و عرب و آمریکایی و آلمانی و غیره را از بین ببریم. انترناسیونالیسم ما به این معنی خواهد بود با حرف و عمل مان به بشریت آزاده نشان میدهم که دوره تقسیم بشر به ملل مختلف و جنگ و جدال این ملل با هم به پایان رسیده است. همانطور که گفتم اگر ما بتوانیم همپای و توجه جهانی به برقراری آزادی و برابری و سوسیالیسم در ایران را جلب کنیم، بی سابقه ترین عمل انترناسیونالیستی پس از انقلاب اکتبر (که به نوبه خود شوری عظیم و بی سابقه در تمامی کارگران و ستمدیدگان جهان بر انگیزخت) خواهد بود. و ما برای پیروزی و مهمتر برای حفظ پیروزی حتما باید این کار را انجام دهیم. ما نمی توانیم انترناسیونالیست نشانی!

نامه های شما

آن مصاحبه را خواند دلم به حالت سوخت... در هر صورت دوست دارم بازهم ۱۰۰۰ تا...»

خیلی ممنون عزیز. حقیقتا من دل پری از هیچ کس ندارم و بسیار خوشحالم که با هم کلنجار برویم و بقول «شج» با هم چون و چرا کنیم. به نظر من این لحظات پر ارزش و پر شور و حالی است که باهم همنظری پیدا میکنیم و خط و جهت مشترکی پیدا میکنیم... باشد در سپردن کار کوشش میکنیم از انرژی تو و سایر رفقا حتما بهره گیریم. این کارها را البته باید با بهرام مدرسی هماهنگ کرد. اما تقاضاهای عمومی را در همان مصاحبه مطرح کرده ام. خواهشم این هست که آن تقاضا ها را همه جانبه تر و بیش از پیش مراعات کنید. همه تان را میبوسم، ده هزار تا!

حسین درخشان از کانادا

کاش (اچ تی ام ال) بود!

«سلام، مرسی از مطلبتون راجع به نوشته من. (اشاره به مطلب «از خانتی تا ان دی پی») شماره ۱۰۶ فقط کاشکی نسخه اچ تی ام ال هم داشته باشید که (بشود) به آن لینک داد. هودر، ویلاگ سردبیر: خودم، <http://i.hodar.com>

هودر عزیز! کاملا درست میگویی و ما هرچه سریعتر، در همین یکی دو ماه آتی باید نسخه اچ تی ام ال نشریه را راه بیندازیم. همینجا از همه دوستان و رفقای داوطلب این کار خواهش میکنم با من تماس بگیرند. از شما هم خواهش میکنم اگر میتوانی و حوصله داری ما را راهنمایی کن. اگر پیشنهاد مشخصی داری لطف کن دریغ نکن. همینطور بسیار مشتاقم بدانم نظرت راجع به نوشته «از خانتی تا ان دی پی» چی هست؟ امیدوارم وقتی فرصتی بدست بدهد که با هم یک کافی بخوریم و گپ بزیم.

سروش ایی تهران

تهام، دلم گرفته!

«سلام مصطفی جان! میخواستم بلونم میشه من مطلبی رو برای چاپ تو نشریه بدم؟ ای اینکه نشریه نویسنده های خاص خودشو داره. ممنون. در ضمن دیگه هیچ خبری از جوانان نیست. گروه (یاهو) هم که ساکنه یا هنوز اشکال برطرف نشده. خلاصه من دل خالی گرفته از تنهایی. به امید دیدارتون، سروش»
سروش عزیز برات فوراً نوشتم که هم گروه نسبتاً فعالتر شده و هم جوانان مرتب در می آید. شاید مشکل تکنیکی هست که شما دقیقا در جریان نیستید. در ضمن این نشریه هیچ محدودیتی برای چاپ مطالب ندارد. حتما بنویس و هرچه میخواهی بنویس. البته از احساسات تنهایی ات تعجب نمیکنم. هر وقت اعتراضات سیاسی و توده ای در ایران افت کند طبعاً در روحیه تک تک ما میتواند تاثیر بگذارد. این

وضع دارد عوض میشود. جالب است که یاشار از دیدن نوشته های کسانی مثل تو از احساس تنهایی درآورده و تو احساس تنهایی میکنی. من از قول همه خوانندگان میگویم که با تو هستم.

سروش از تهران

جواب شان را بدهید!

خواسته اند که جواب یک نویسنده چپ را در نشریه بدهیم. سروش عزیز اگر مصاحبه شماره قبل را دقت کرده باشید، ما به سوالات و مسائل واقعی می پردازیم. خیلی از انتقادات چپ سنتی و عقب مانده به ما حقیقتا مسائل واقعی نیست. مسائل فرقه ای، مزوی، مهجور و نا مربوط به زندگی واقعی است. ما ترجیح میدهیم که با مسائل واقعی و گرایشهای مطرح در سطح جامعه طرف شویم. با اینهمه اگر سوالی به نظر شما میرسد، خود سوال را حتما با ما در میان بگذارید. زنده باشید.

ایمان شیرعلی

آبی بصورت بزیند!

دوست عزیزمان ایمان شیرعلی نقدی بر دشنام های هیستریک یک طنز نویس نوشته، که سرانجام به راه راست هدایت شده و کنار حجازیان سر درآورده اند. ایشان نیز حزب کمونیست کارگری و رهبرانش و مشخصا علی جوادی را چون خاری در چشمان خویش یافته است. اما نقل شیرین سخنی های کلاه مخملی ماب و مقاله های ایرج میرزایی این آقا، ولو به منظور نقد، در شان این نشریه نیست. با پوزش از ایمان عزیز تنها تکه کوچکی از نوشته اش را چاپ میکنیم.

«آقای خرسندی! انقلاب در راه است! آزادی و برابری حرف ما و نیاز ماست! فریاد علی جوادی و دیگر رهبران انقلاب فریاد یک جامعه است! ما به اعدام و سنگسار و شلاق و چشم از حدقه بیرون آوردن، به کار ارزان و کارگر خاموش و به آدم محسوب شدن زنان در جامعه اعتراض داریم! ما برابری طلبیم و آزادی بیقید و شرط خواست بی چون وچرای ماست! شما چه میگویی؟ حرفتان چیست؟ دردتان چیست؟ با برابری مشکل دارید یا با اومانیسیم؟ شریف باشید! آبی به صورتتان بزیند!»

سیما امیدوار تهران

عکس و حشنگ نیست!

«آقای صابر عزیزم سلام. نشریه (شماره ۱۰۶) را گرفتم، هنوز کامل نخوندمش اما تا همینجا: مقاله کوروش عزیز در باره تی وی (تلویزیون کانال جدید) خیلی جالب بود. بخصوص این جمله «زیباترین حرفها اگر به گوش کسی نرسد، نگفته مانده است». در باره نظرات (خوانندگان در باره جوانان کمونیست): آرش سرخ: این که گفتند گاهی مطالب و مقالات خیلی خوشبینانه است. محمدی ها: در هر (شماره) نشریه یک بند برنامه دنیای بهتر باز و شرح داده بشه. جواب سوال پنج را من با

جوانان کمونیست ۱۰۷

نسیم رهنما خیلی موافقم. (نسیم گفته بود ادامه مطلب در صفحه ماقبل جالب نیست). امید حدابخشی: مقالات ایمان شیرعلی رو خیلی پسندیدند که از نظر من خیلی خاص نیست. سطح معمولی داره. سینا کارگر: نظرتش راجع به نقد اسلام رو خیلی قبول دارم و این به اون معنی است که من نقد به اسلام رو قبول دارم اما معتقدم شیوه اون خیلی مهمه. راجع به بحث آموزشی که ابی سروش مطرح کرد را خیلی قبول دارم. مساله دیکشنری که حامد گفت نظر من هم هست. با علی راستین هم راجع به این که خواستند نشریه به مسائل تنوریک بیشتر و جدی تر پردازد خیلی موافقم. (در واقع با تمام نظراتی که دوستان به طرق مختلف راجع به مسائل آموزشی مطرح کردند موافقم). راستی عکس شما اصلا وحشتناک نیست. فقط اگر چشمانتون مشخص باشه بهتره. خوب آقای صابر عزیزم من هم نظرم را به اینگونه بیان کردم. راستی آقای علی راستین پرسیدن چرا دخترها نمی نویس. من از جانب خودم بگم که من دوست دارم اونقدر آگاه باشم که بتونم مطالبی را بنویسم که مفید باشه، جذاب باشه و خوندنی و ارزششو داشته باشه که چاپ بشه. به این دلیل چون مطالعه را تازه شروع کرده ام ترجیح میدم مقالات سطحی و بچگانه بنویسم. کاش بقیه دوستان هم این نکته رو متوجه باشند. قربانتون، می بوسمتون، سیما».

سیما عزیزم، مرسی بابت نظرات. اینهمه برای خودش ابتکار جالبی بود. اگه اجازه بدی میخوام فقط راجع به تکه آخر نوشته ات اظهار نظر کنم. اولاً تو قبلاً هم برای این نشریه نوشته ای و هیچگاه مطالبی که نوشتی «سطحی» نبودند. از این نوشته تو من کمی ترس برم داشت که واسوایی بشوی و زیاد ننویسی. فکر میکنم نظری در بین برخی خوانندگان ما مطرح است که اگر مقاله ای تنوریک نباشد دیگر مقاله نیست. اگر مثلاً کسی خاطراتش را

از شهریور ۶۷ بنویسد و بطور ملموس و تکان دهنده ای جمهوری اسلامی را افشاء کند، یا ستم کشی زن را از طریق تجربیات مستقیم خود مورد انتقاد بسیار موثری قرار دهد (مقاله «سطحی») نوشته است. به نظر من این تصور درست نیست. اگر همه مطالب نشریه تنوریک و آموزشی باشد حوصله بسیاری از خوانندگان سر خواهد رفت. یک نشریه مثل ما احتیاج به تنوع و از جمله مطالب خیلی ساده و شفاف و که در عین حال ایده های عمیقی را هم مطرح میکند دارد. اگر به دور و برت نگاه کنی هزار و یک مساله هست که میشود راجع به آنها نوشت. من خواهش میکنم که روی این مسائل بنویس. سیما جان از اظهار نظرت بسیار متشکرم و می بوسمت.

وجد از نورلد

جلسات پالتاک

طی نامه ای از برگزاری جلسات

پالتاک توسط سازمان جوانان کمونیست تشکر کرده و بقیه را به شرکت فعال در این جلسات دعوت کرده اند.

اسد حکمت امتهان

سازماندهی، عضو گیری

رفیق عزیز و دوست داشتنی بهرام. نخست برای براه افتادن چنین جلسات (آموزشی در پالتاک) از شما و تمام رفقا ممنون. این ابتکار شما قدمی مثبت در جهت سازماندهی نیروهای داخل کشور و جوانان میباشد. البته شما در این زمینه کار کشته تر و با تجربه تر از من هستید که در دنیای بزرگ شما تازه قدم گذاشته است. لیکن به نظر من حال که فرصتی گرانقدر برای تماس مستقیم با رهبری حزب پیش آمده است موضوعاتی در زمینه سازماندهی نیروهای کمونیست داخل کشور و جهت دادن به آنها در صدر اولویت میباشد... بهتر است که به موضوعاتی که هر هفته در نشریات حزب مفصل به آنها پرداخته میشود نپردازیم و بیشتر به نحوه سازماندهی و عضو گیری داخل و خارج بپردازیم. به قول منصور حکمت یک عمر تنوری گفتیم برای چنین روزهایی.. به امید روزی که جلسه علنی حزب را همگی در داخل برگزار کنیم و آن روز چندان دور نیست...»

بهرام مدرسی: اسد جان مجدداً از لطفت ممنون. ما باید به این مسائل بپردازیم و فکر کنم پرداخته ایم. به نظر به چه مسایل مشخصی باید جواب دهیم؟ سوالات معین چی هستند؟ اگر اینها را روشن کنی به گذاشتن چنین بحثی بسیار کمک میکند. جلسات آموزشی را به نظر من باید منظم برگزار کنیم. در انتظار نظراتت هستیم.

مجتبی فرزانه سوئد

یک توضیح، شاملو

دوست عزیز ما مجتبی فرزانه (بهرز مهر آبادی) که هفته قبل متن مصاحبه ای از شاملو را فرستاده بودند مایل بودند توضیحی هم همراه آن بنویسند که آنهفته به ما نرساندند. اینک ضمن تشکر از ایشان توضیح را ملاحظه کنید: «شاید اگر در شماره ۱۰۴ جوانان کمونیست نامه آرش سرخ را نمی خوانتم که خواستار ارائه مدرک برای مواضع سیاسی احمد شاملو شدانم، هیچوقت لازم نمی شد تا در آرشو خودم و در بین کاغذها و دیسک های کهنه کامپیوتر بگردم تا مطلب زیر را پیدا کنم. من از دوستداران این شاعر بزرگ هستم و بسیاری از اشعار زیبایش در حافظم جا گرفته، ولی این به این معنی نیست که واقعیت را فراموش کنم. هر چند که شیدین نظرات سیاسی اش برام تاسف بار بود ولی از یاد نمی برم که شاملو یک انسان دوست بود، ضلن و شوینست نبود، توهمی به ماهیت کثیف جمهوری اسلامی نداشت و آثار با ارزشی در ادبیات باقی گذاشت. از بسیاری شاعران و نویسندگان معاصر ایران

سالتها جلوتر بود. افکار مترقی شاملو در فضای متحجر ادبی ایران جایگاهی ویژه و شایسته احترام به او می دهد و تا زمانی که چنین فضایی در ادبیات معاصر ایران باقی است، ضرورت های بسیار دیگری بجز نقد نظرات شاملو وجود دارد. بحث درباره سوسیالیسم و سیاست در ابعاد بسیار وسیعتر بارها مطرح شده و باز هم به آن پرداخته نمی شود.

این مصاحبه احمد شاملو (به شماره ۱۰۶ مراجعه کنید). از برنامه موزائیک، تلویزیون سوئد کانال یک در روز ۱۵ اکتبر ۱۹۹۴ پخش شد که من آنرا ضبط کرده و از روی نوار پیاده کردم. بخشهایی از مطلب زیر نیز در سایت فوروم اجتماعی ایران، در ستون برخورد اندیشمها در نوشتهای از آقای مسلم منصوروی نقل شده است. بهروز مهر آبادی.»

شج، ویلاگ شج

دیدگاه مارکسی شاملو

«سلام مصطفی جان! با این که الان ساعت نزدیک ۶ صبح است و من تا همین موقع مشغول نوشتن بوده ام، اما دلم نیامد نشریه ۱۰۶ شما و موضوعی که در مورد شاملو گفته بودی را نخوانم. مطلبی را که از شاملو نقل کرده بودید قبلاً شنیده بودم و در واقع فیلم آنرا هم دیده بودم. من تعجب میکنم از این که این سخنرانی را به عنوان دلیلی برای توجیه حرف آقای حکمت که گفته اند «شاملو» پایان کمونیسم را اعلام کرد» آورده آید. درست در صورتی که درست برعکس نشان میدهد شاملو نه تنها در این مصاحبه پایان کمونیسم را وقوع کمونیسم اجتناب ناپذیر است. او اعتقاد خود را به دوره های مطرح شده توسط مارکس اعلام میکند و از جراحی خونبار انتقاد میکند که منظورشان همان استالینیسیم است. اعلام پایان استالینیسیم و یا حتی لنینیسیم اعلام پایان کمونیسم نیست.

یک بار دیگر جمله شاملو را در این مصاحبه بخوانید: «هدف شعر در حقیقت، یعنی در نهایت امر، نجات جامعه بشری است از طریق عشق انسان به انسان» و این دیدگاه دیدگاه کاملاً مارکسی است. زیرا اصولاً از دیدگاه مارکس سوسیالیسم و کمونیسم جنبش بازگرداندن انسان به انسان است. انسان از خود بیگانه شده با خود آشتی داده میشود. راستی نقل این مصاحبه به ما یادآوری کرد که شاملو بجز شعر گفتن حرف هم میزده است. آخر در نامه آقای حکمت جوری وانمود شده بود که انگار شاملو فقط در اشعاری آن هم به صورت مبهم حرف میزد! شاملو را و ادبیات فارسی را باید بیشتر بشناسید. انترناسیونالیست بودن به معنی ضد وطن و فرهنگ خود بودن نیست. به معنای شناخت عمیق آن است که برای انترناسیونالیست بودن نخست باید صفحه ۷

تلوویزیون انترناسیونال

یکشنبه ها و جمعه

۵:۳۰ تا ۶:۳۰ عصر

به وقت تهران

ماهواره کانال یک

برنامه های تلویزیون انترناسیونال در اروپا و آمریکای شمالی هم پخش میشود. این برنامه ها از طریق سایت روزنه نیز قابل دسترسی خواهند بود.

میل: wpi_tv@yahoo.com

تلفن ۳۷ ۲۲ ۵۹۰ ۷۸۱ ۰۰۴۴

فکس ۱۷۳۳ ۲۱۲ ۵۰۳ ۰۰۱

طول موج جدید

رادیو انترناسیونال

رادیو انترناسیونال هرروز ساعت ۹ شب به وقت تهران به مدت نیم ساعت روی طول موج ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۸۰ کیلو هرتز پخش خواهد شد. روزهای پنجشنبه و شنبه مدت برنامه های رادیو از ساعت ۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه خواهد بود.

برنامه رادیویی سازمان

جوانان کمونیست

شنبه ها ۹:۳۰ تا ۹:۴۵

طول موج جدید رادیو انترناسیونال را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید.
Payamgir radio:
+46 8 659 07 55
Tel: +44 771 461 1099
& +46 70 765 63 62
Fax: +44 870 129 68 58
radio7520@yahoo.com
www.radio-international.org

بست لطیف بدنشان از سرما دانه دانه شده به چه چیزهایی می اندیشند.

سردبیر خودم

http://i.hoder.com

میدانهای نسل بعد از انقلاب شورای حزب الهی های شهر تهران تصمیم گرفته که اسم میدان آرژانتین را به میدان حکیم تغییر دهد. از طرف دیگر، مثل اینکه قرار است یک میدان هم به نام لاجوردی کنند. اشکالی ندارد. چون وقتی که بچه های بعد از انقلاب سرکار بیایند همه را دوباره عوض خواهند کرد: میدان امام حسین: میدان

ویکتوریا سیکرت

میدان سپاه: میدان روئینگ استونز

میدان توحید: میدان اکستسی

میدان حکیم: میدان گابریل

باتیستونا

میدان انقلاب: میدان وایاگرا

میدان ولی عصر: میدان دولچه

گابانا

میدان حر: میدان وودی آلن

میدان پاستور: میدان علف (ماری

جوانا)

میدان امام خمینی: میدان کوروش

کبیر

میدان آزادی: میدان فروغ فرخزاد

میدان فلسطین: میدان ابیبر

توجه: این یک مطلب طنز است

بخدا!

انگیزه برای زندگی چی می تونه باشه.

به هر حال چه اونها بخواهند و چه نخواهند ما هستیم و به کوری چشم دیگران، دیگرنی که آرزوی مکیدن خون تک تک ملت رو دارند، همیشه هم خواهیم بود، زندگی خواهیم کرد، شاد خواهیم بود، عاشق خواهیم بود، خوشبخت خواهیم بود، و روزی تقاص این همه جنایت رو از اونها خواهیم گرفت.

اشکها و ترسها

http://raana1.persianblog.com

کنکوریها

تا حالا خیال می کردیم زور جماعت چماق بدست فقط به جماعت دانشجو میرسه اما امروز فهمیدیم که نه اینجورام نیست کنکوریهام بی نصیب نیستن. تو یکی از شعبه های مثلا رسیدگی به شکایات دانشگاه آزاد ریختن با چوب و چماق بچههای بیچاره رو که ۱۰۰۰ تا برنامه برای آئیندشون دارن رو زدن و بردن که از شر پاسخگوئی راحت شن و گند فروش سوالات بیشتر این بالا نیاد. بابا پس آدم چی کار کنه همه روزنهارو میندیند؟؟!!!!!! نه میشه کارکرد چون کار نیست. نه میشه درس خوند. خوب همه هم میزارن از ایران میرن. حقشون هست باید برن.

آیس در شگفتزار

wonderland.persianblog.com

http://alice-in

این روزها مدام باد می آید و محوطه دانشگاه پر شده از مردان جوان خوش قیافه ای که کت و شلوارهای مشکی به تن دارند. از هر سه تا دختر دو تا موهایشان را دمب اسبی کرده اند و تا جایی که امکان داشته باشد از نوشیدن قهوه پرهیز می کنند. پیرهنهای نازک کوتاه و شلوارهای کمر آب رفته می پوشند و با پشتکار عجیبی همیشه حواسشان هست که یک وجب از هر پهلوشان حتما بیرون و نمایان باشد. فقط خدا می داند وقتی که در باد مثل کرم به خودشان پیچیده اند و



لینک

علی فرهنگ

ما هستیم!

بادها و پیرهن ها!

نوشته های آدم معمولی

www.mamooli.blogspot.com

وارد عمل می شوند. آنجا بود که می فهمید تا چماق در دست حریف است سرشسته از دستش در نمی رود. متاسفم بنویسم که امروز حاکمان دینی ایران (!) برای مهار خواسته های عموم مردم مخصوصا جوانان دست به یک تخدیر عمومی زده اند.

دلدا

http://baraye.persianblog.com

روز پنجشنبه برادر کوچک یکی از دوستانم، یه پسر ۱۹ ساله به همراه تعدادی دیگه از همسن و سالانش، توسط لباس شخصی ها در یکی از مراکز خرید! دستگیر شدند. بدون اینکه مشخص بشه به چه دلیل پدر و مادر بیچاره اش این دو روز تمام شهر رو زیر پا گذاشتند در حالی که نیروهای انتظامی هیچ خبری از شون نداشت. تا بالاخره امروز فهمیدند که پرونده سیاسی براشون تشکیل شده و باید منتظر نوبت دادسرا باشند!! کوچکترین توضیحی هم راجع به دلیل دستگیری یا محل بازداشتشون داده نشد. به همین راحتی.

شلوارکهایی که بیشتر از یک وجب پایینی آنها قیچی شده و روسری و شالهایی که بیشتر از آنکه جنبه پوشش داشته باشد جنبه نمایش دارند، مجموعای است که لباس عمومی زنان را تشکیل می دهد. به ظاهر همه از بند چادر و مقنعه و مانتوی سیاه راحت شدند. حتی برادران غیور نیروهای انتظامی (بخوانید افتضاحی) هم چیزی نمی گویند. اما همه ماجرا آیا همین است؟

از بالا شهر که دور شوی و به نقاط فقیرنشین سر بزنی حکایت همچنان (اما البته به شیوای دیگر) ادامه دارد. به راحتی عرق و ورق و زوروق پیدا میشود. حتی اگر طالب باشی از همان دخترکان شلوارک پوش هم پیدا می شود. اینجا هم برادران غیور ناجا تشریف دارند اما باز هم بگیرو ببندی دیده نمی شود. من این حرف که بعضی می گویند: کار از دست در رفته را به شدت رد میکنم. اگر در شبهای درگیری در اطراف دانشگاه و خوابگاه دانشجویان بودید، میدیدید که هر وقت دستور پاکسازی منطقه می رسید برادران غیور (!) با چه تعصبی

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان
حزب کمونیست کارگری ایران

مصطفی صابر mosaber@yahoo.com

Tel: 001 604 730 5566

www.jawanan.org

www.m-hekmat.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.medusa2000.com

www.wpiran.org

www.childrenfirstinternational.org

از این سایت ها دیدن کنید:

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 51 80 26 10

0031-613248331

0049 1632693033

0046 70 678 1198

001 604 730 5566

0044 77 61 10 6683

00905552048603

0046 70 48 68 647

0049 174 944 02 01

fax:001 781 735 8359

bahram-modarresi@web.de

دانمارک:

شیوا فرهمند

مجید پسنچی

نیز احمد زاده

حامد خلکی

سامان احمدی

فرشاد پویا

ترکیه:

دبیر تشکیلات خارج:

مریم طاهری

دبیر کمیته مرکزی:

بهرام مدرسی

مشاور دبیر:

ثریا شهابی

آدرس پستی:

Jawanan Postfach 620 515

10795 Berlin

Germany

به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!